

## بررسی جایگاه کلمات و ترتیب سازه‌های جمله در زبان آلمانی کاوه بهرامی سبحانی<sup>۱</sup>

### چکیده

اریش دراخ نخستین زبانشناسی است که الگوی ترتیب اجزای جمله در زبان آلمانی را در بیش از هشتاد سال پیش ارائه کرد. از آن زمان تاکنون، از یک سو الگوی در ابتدا ساده‌ی دراخ و از سوی دیگر تحولات زبانی، زبانشناسان را بر آن داشت تا در پی بسط و گسترش این مدل باشند. الگوی ارائه شده این زبانشناس آلمانی امروزه می‌بایست مدل‌های پیچیده‌ای از جمله‌های زبان آلمانی را در خود جای دهد. در این مقاله علاوه بر معرفی این الگو، انواع جمله‌ها در زبان آلمانی را معرفی و چیدمان سازه‌ها در این مدل را نشان می‌دهیم. همچنین سعی خواهیم کرد قرار گرفتن اجباری و اختیاری سازه‌ها در هریک از جایگاه‌های تعیین شده در این الگو را نشان دهیم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، الزامات تمامی جایگاه‌های الگو نباید اشغال باشند. همچنین جایگاه فعل و نوع جمله از حیث پایه و یا پیرو در تعیین جایگاه و ترتیب سازه‌ها نقش دارد.

واژگان کلیدی: جایگاه کلمات، ترتیب سازه‌ها، جایگاه فعل، ساخت اطلاع، زبان آلمانی

## مقدمه

جایگاه کلمات در جمله و ترتیب قرارگرفتن سازه‌ها، یکی از موضوعات مرتبط با نحو در زبان‌شناسی است. زبان آلمانی در ساختار جمله‌های پایه از الگوی SVO<sup>۱</sup> و در ساختار جملات پیرو از الگوی SOV پیروی می‌کند. در این نکته که کدامیک از این دو ترتیب کلمات، الگوی اصلی است و یا به بیانی دیگر کدام الگو دیگری را متأثر از خود ساخته است، در میان زبان‌شناسان آلمانی آراء متفاوتی یافت می‌شود (ر.ک آیزنبرگ ۳۹۵ و بهرامی ۲۵). نمونه‌های زیر تفاوت‌ها ذکر شده را مشخص می‌کنند:<sup>۲</sup>

1. Der Man **isst** den Apfel.
2. Der Mann, der den Apfel **isst**..
3. Wenn der Mann den Apfel **isst**..
4. Ich weiß, dass der Mann den Apfel **isst**.
5. Sie erlaubte mir, den Apfel zu **essen**.

مشاهده می‌کنیم که به جز نمونه نخست که در آن ساخت SVO دیده می‌شود، سایر جمله‌ها (به ترتیب شماره: بند موصولی، بند قیدی و دو نمونه آخر بند متممی) از ساخت SOV پیروی می‌کنند. نمونه‌های زیر نشان می‌دهند که برخلاف زبان آلمانی، در زبان انگلیسی ساختار جمله پایه و پیرو تأثیری بر جایگاه فعل ندارد. در هر دو نمونه زیر از زبان انگلیسی ساختار SVO مشاهده می‌شود.<sup>۳</sup>

6. The man **hit** the ball.
7. They thought that he **was** crazy.

زبان آلمانی برخلاف زبان انگلیسی، به گروهی از زبان‌ها تعلق دارد که از "آزادی

---

1. Subjekt - Verb - Objekt

۲. نمونه‌ها برگرفته از گیون (۲۰۰۱، جلد ۱: ۲۴۷)

۳. نمونه‌ها از گیون (۲۰۰۱، جلد ۱: ۲۳۵)

نسبی " در تعیین جایگاه کلمات و سازه‌ها در جمله برخوردارند. بدین معنا که جمله الزاما با فاعل آغاز نمی‌شود، بلکه با توجه به شرایط، مفعول و یا قید نیز می‌توانند آغازگر جمله باشند. مایبائر (۱۲۱) نمونه‌های زیر را در همین ارتباط ارائه کرده است:

8.      Dort kennt ihn jeder.  
          آنجا او را همه می‌شناسند.
9.      Jeder kennt ihn dort.  
          همه او را آنجا می‌شناسند.
10.     Ihn kennt jeder dort.  
          او را همه آنجا می‌شناسند.
11.     Ihn kennt dort jeder.  
          او را آنجا همه می‌شناسند.
12.     Dort kennt jeder ihn.  
          آنجا همه او را می‌شناسند.

نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که سه کلمه اصلی جمله، dort (قید مکان)، jeder (فاعل) و ihn (مفعول مستقیم) می‌توانند در جایگاه‌های مختلف قرار گیرند، بی‌آنکه جمله از حیث دستوری لطمه‌ای ببیند. منظور از آزادی نسبی که پیش‌تر به آن اشاره شد، همین قابلیت در زبان آلمانی است. اما نحوه قرارگرفتن اجزای جمله چندان نیز اختیاری نیست و از قوانین مشخصی پیروی می‌کند. همان‌طور که در نمونه‌های بالا قابل مشاهده است، فعل صرف‌شده جمله در جایگاه دوم قرار دارد و جابجایی آن، به جمله‌ای غیردستوری ختم خواهد شد. از این رو، شاید بتوان مهم‌ترین جایگاه در جمله را از آن فعل دانست. برای توضیح بیشتر درباره این موضوع نمونه‌های زیر را ملاحظه کنید:

13.     Julia **hat** Jan einen langen Brief **geschrieben**.
14.     \*Julia **hat geschrieben** Jan einen langen Brief.

15. Ich glaube, dass Julia Jan einen langen Brief **geschrieben hat**.

16. \*Ich glaube, dass Julia **hat** Jan einen langen Brief **geschrieben**.

در نمونه ۱۳ که جمله‌ای دستوری است، فعل کمکی *hat* در جایگاه دوم قرار گرفته و مصدر گذشته *geschrieben* در انتهای جمله قرار دارد. سایر اجزای جمله، نظیر مفعول غیرمستقیم (*Jan*) و مفعول مستقیم (*einen langen Brief*) در فاصله بین دو جزء فعل قرار گرفته‌اند. در نمونه ۱۴ که دو جزء فعل در کنار هم واقع شده‌اند، با جمله‌ای غیردستوری روبرو هستیم. در نمونه ۱۵ ساختار بند متممی درونه گیری شده را مشاهده می‌کنیم. در این ساختار هر دو جزء فعل به انتهای بند متممی منتقل شده‌اند. این جمله دستوری است. اما در نمونه ۱۶ که در آن بین دو جزء فعل فاصله افتاده است، با ساختاری غیر دستوری مواجه می‌شویم. علت این امر نکته‌ای است که در ابتدای بحث به آن اشاره کردیم و آن پیروی جمله‌های اصلی و فرعی (پایه و پیرو) در زبان آلمانی از دو الگوی متفاوت است. جایگاه فعل در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین می‌توان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان آلمانی که آن را از زبان‌های انگلیسی و فرانسه متمایز می‌کند، در فاصله گرفتن اجباری اجزاء فعل بیان کرد. چنانچه جمله‌ای پایه در زبان آلمانی از دو و یا چند فعل تشکیل شده باشد، قرار گرفتن تمامی افعال در کنار هم جمله‌ای غیردستوری را در پی خواهد داشت. در مثال زیر فاصله بین دو بخش از فعل مشخص شده است<sup>۱</sup>:

17. Der deutsche Bundespräsident **wird** durch die Bundesversammlung **gewählt**.

رئیس جمهور آلمان توسط مجمع عمومی نمایندگان انتخاب می‌شود. دو فعل *wird* و *gewählt* در مجموع فعل اصلی جمله بالا را تشکیل داده‌اند و این در حالی است که بین دو جزء فعل از طریق اجزاء دیگری از جمله، فاصله افتاده است. عبارت حرف اضافه‌ای *durch die Bundesversammlung* (توسط مجمع عمومی نمایندگان) بین دو جزء فعل قرار گرفته است. در زبان آلمانی براساس الگویی که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت به دو جزء تشکیل‌دهنده فعل جمله، *Satzklammer* و یا "پرانتزهای جمله" گفته می‌شود.

۱. مثال از ساحل و همکار (۲۰۰۹:۱)

## بررسی جایگاه کلمات و ترتیب سازه‌های جمله در زبان آلمانی



تصویر ۱: ساحل و همکار ۲۰۰۹:۱

همان‌گونه که در تصویر بالا مشاهده می‌کنیم، این دو بخش از جمله که می‌توانند جایگاه خود را در اختیار اجزای دیگری به غیر از فعل نیز قرار دهند، جمله را به سه بخش اصلی تقسیم می‌کنند: بخش قبل از پرانتز چپ یا Vorfeld بخش میان پرانتز چپ و پرانتز راست یا Mittelfeld و بخش سوم که مربوط به جایگاه بعد از پرانتز سمت راست است. این بخش را Nachfeld می‌نامند:

Vorfeld	linke atzklammer	Mittelfeld	rechte Satzklammer	Nachfeld
<b>Der Präsident</b>	<b>wird</b>	<b>durch die Bundesvers ammlung</b>	gewählt	

جدول ۱

Satzklammer و یا پرانتزهای جمله یکی از ویژگی‌های اصلی جایگاه کلمات در جملات زبان آلمانی است. این ویژگی تنها شامل زبان آلمانی نمی‌شود، بلکه آنطور که نتایج پژوهش ساحل و همکار (۲۰۰۹:۱) نشان می‌دهد، در زبان‌های هلندی (۱۸) و فریسی<sup>۱</sup> (۱۹) نیز بین دو جزء فعل، از طریق سایر عناصر جمله فاصله ایجاد می‌شود:

18. Ik heb de brief aan Frens geschreven.

19. Ik ha de brief oan Frens skreaun.

سایر نمونه‌هایی که در ادامه ارائه می‌شود، نشان می‌دهند که در اغلب زبان‌ها دو

### 1. Friesische Sprachen

بخش تشکیل دهنده فعل بدون واسطه در کنار هم قرار می‌گیرند<sup>۱</sup> و یا در شرایطی خاص تنها قید می‌تواند میان دو جزء فعل فاصله بی‌اندازد. این شرایط هم در زبان‌های ژرمنی، نظیر انگلیسی، دانمارکی، نروژی و سوئدی مشاهده می‌شود و هم در زبان‌های رومیایی همانند ایتالیایی، اسپانیایی و فرانسوی.

20. I **have written** a letter to Charles (انگلیسی)

21. Jeg **har skrevet** et brev til Karl (دانمارکی)

22. Jeg **har skrevet** er brev til Karl (نروژی)

23. Jeg **har skrivit** ett brev till Carl (سوئدی)

24. **Ho scritto** una lettera a Charles (ایتالیایی)

25. **He escrito** ya una letra a Charles (اسپانیایی)

در تمامی نمونه‌های بالا مشاهده می‌کنیم که فعل کمکی و فعل اصلی جمله بدون فاصله در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ ساختاری که در جملات پایه و خبری در زبان آلمانی امکان‌پذیر نیست.

### پیشینه تحقیق

در منابع دستور زبان آلمانی از اریش دراخ<sup>۲</sup> (۱۹۳۷) به عنوان نخستین زبان‌شناس آلمانی یاد می‌شود که "الگوی ترتیب اجزای جمله" یا در اصطلاح آلمانی *Das topologische Stellungsfeldermodell* را طرح کرده است. مبحث ترتیب قرار گرفتن سازه‌ها در یک جمله پیش از دراخ نیز در منابع آلمانی مطرح بوده است، اما اهمیت کار این زبان‌شناس آلمانی را می‌توان در پرداختن به تحلیل تخصصی و ابداع واژه‌های جدید در این حوزه عنوان کرد. الگوی ارائه شده از سوی دراخ سبب شد تا سایر دستورنویسان<sup>۳</sup> پس از او، از این روش جهت توصیف و تحلیل سازه‌های جمله در زبان آلمانی بهره ببرند. در

۱. مثال‌ها از ساحل (۲۰۰۹:۲)

2. Erich Drach

3. Heidolph et al. (1981), Engelen (1986), Dudengrammatik (1998)

ارتباط با الگوی درخ توجه به این نکته لازم است که دسته‌بندی وی جملات پایه و عمدتاً خبری را شامل می‌شود و از این رو در سال‌های اخیر مورد بازنگری قرار گرفته است تا انواع دیگری از جملات را نیز در برگیرد. در این میان توجه به جایگاه جملات پیرو و همچنین جملات پرسشی و امری مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله پژوهش‌گرانی که تاکنون به این موضوع پرداختند، می‌توان به اختصار به این موارد اشاره کرد: شرودر (۱۹۸۴) موضوع رساله دکتری خود را ترتیب کلمات در زبان آلمانی قرار داده است و زبان گفتاری را بر اساس الگوی مطرح شده، بررسی کرده است. دورشاید (۲۰۰۷) در کتابی زیر عنوان "نحو، مبانی و تئوری‌ها" به الگوی ارائه شده از سوی درخ پرداخته است. مایبائر (۲۰۰۷) نیز در کتاب خود با عنوان "درآمدی بر زبان‌شناسی آلمانی" در فصل مربوط به نحو زبان به ترتیب قرارگرفتن سازه‌ها در جملات آلمانی و ویژگی‌های آن‌ها پرداخته است. همچنین ساحل و همکار (۲۰۰۹) موضوع ترتیب اجزای جمله در زبان آلمانی را مورد بررسی قرار داده و نمونه‌هایی را از زبان‌های دیگر برای مقایسه ارائه داده‌اند. همچنین پیتر و برمان (۲۰۱۳) در کتاب خود با عنوان "نحو زبان آلمانی" فصلی را به همین موضوع اختصاص داده‌اند. مقاله پیش‌رو علاوه بر مشخص کردن جایگاه فعل در جملات آلمانی در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است: نحوه چینش سازه‌ها در انواع جملات زبان آلمانی از دید مدل درخ چگونه است؟ زبان آلمانی با چه محدودیت‌هایی در این بخش روبروست؟ کدامیک از نقش‌های دستوری به صورت اجباری و کدامیک به صورت اختیاری در جایگاه‌های مختلف مدل درخ قرار می‌گیرند؟ انواع جملات در زبان آلمانی به چه شکل در مدل درخ جای می‌گیرند و چه تفاوت‌های در این بخش دیده می‌شود؟

### بحث و بررسی

#### جایگاه فعل

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، جایگاه فعل جمله در زبان آلمانی از قوانین مشخصی پیروی می‌کند و با محدودیت‌هایی روبرو است. سه جایگاه را برای فعل صرف‌شده در زبان آلمانی می‌توان تعیین کرد که در نمونه‌های زیر مشخص شده است:

26. **Hat** der Hersteller der Software bereits erfolgreich neue Anwendungen programmiert?
27. Der Hersteller der Software **hat** längst neue Anwendungen und Erweiterungen programmiert, offensichtlich mit Erfolg.
28. Ob der Hersteller der Software bereits Erweiterungen programmiert **hat**,...

نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که سه جایگاه برای فعل در جملات زبان آلمانی مطرح است: چنانچه فعل جمله در جایگاه نخست قرار گیرد، با جملاتی پرسشی روبرو هستیم. پاسخ این نوع از جملات "بله" یا "خیر" خواهد بود.<sup>۱</sup> همچنین جملات امری<sup>۲</sup> و تعجبی<sup>۳</sup> نیز در همین گروه قرار می‌گیرند:

29. **Bist** du auch so froh wie ich, dass der Fasching vorbei ist?
30. **Freu** dich über den Erfolg – die nächste Enttäuschung kommt bestimmt.
31. **Bist** du aber groß geworden!

گروه دوم مربوط به جملاتی است که در آن‌ها فعل جمله در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. این جایگاه شناخته شده‌ترین نوع در میان جملات خبری<sup>۴</sup> است. نوع دومی از جملات پرسشی و همچنین بندهای پیرو بدون درونه‌گیری، در این گروه قرار می‌گیرند:

32. Was **machst** Du hier, warum **kommst** Du nicht auf den Hof?
33. Der Verteidigungsminister verkündete, dass Pentagon **werde** zusätzlich

1. Entscheidungsfragesätze / Ja/Nein-Fragesätze
2. Imperativsätze / Aufforderungssätze
3. Exklamativsätze / Ausrufesätze
4. Aussagesätze / Deklarativsätze



6,6 Milliarden Dollar zum Bau eines nationalen Raketenabwehrsystems bereitstellen.

دسته سوم متعلق به گروهی از جملات زبان آلمانی است که در آن‌ها فعل در انتهای جمله قرار می‌گیرد. بندهای پیرو متممی و قیدی و همچنین بندهای موصولی در این گروه قرار دارند:

34. So blieb es, obwohl schon im Herbst 1915 ein neuer starker Wagenmangel **einsetzte**.

35. Unter zehn Stücken, die dem Burgtheater eingesendet **wurden**, seien neun ernste Dramen, und höchstens eins besitze heiteren Charakter.

### قواعد چینش سازه‌ها در جمله

پس از آشنایی با جایگاه فعل در انواع جملات در زبان آلمانی به موضوع اصلی مقاله یعنی نحوه قرار گرفتن سازه‌ها در جمله و قواعد مرتبط با آن می‌پردازیم.

Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Sie	hat	ihn schon einmal	gesehen	irgendwo

جدول ۲

پیتنر و برمان (۲۰۱۳:۷۹) نمونه مندرج در جدول ۲ را بر اساس الگوی درخ ارائه کرده‌اند. در این مثال مشاهده می‌کنیم که فعل کمکی و صرف شده hat که با فاعل جمله sie به لحاظ شخص و شمار تطابق دارد، پرانتز سمت چپ (Linke Klammer) را تشکیل می‌دهد. جایگاه پیش از پرانتز سمت چپ (Vorfeld) که تنها یک سازه می‌تواند در آن قرار گیرد، در این مثال توسط ضمیر شخصی sie اشغال شده است که نقش فاعل جمله را عهده‌دار است. فعل مصدر گذشته gesehen، پرانتز سمت راست (Rechte Klammer) را تشکیل می‌دهد که در این نمونه به زمان گذشته دلالت دارد، ولی در جملاتی که در زمان حال ساخته می‌شوند، طبیعتاً به صورت مصدر ساده نمود پیدا می‌کند. و اما جایگاه پس از پرانتز سمت راست را که در جدول بالا توسط قید مکان irgendwo اشغال شده است، در اصطلاح Nachfeld می‌نامند. بنابراین براساس الگوی

ارائه شده از سوی دراخ، می‌توانیم سه جایگاه را برای توصیف جملات در زبان آلمانی در نظر بگیریم. جایگاه پیش از فعل صرف شده (پرانتر سمت چپ) یا Vorfeld، جایگاه بین پرانتز سمت چپ و پرانتز سمت راست یا Mittelfeld و جایگاه پس از پرانتز سمت راست یا Nachfeld. در ادامه نشان خواهیم داد که این دسته‌بندی بدان معنا نیست که در ساخت جمله تمامی جایگاه‌هایی که مطرح شد، الزاما اشغال می‌شود. در جدول زیر براساس الگوی ارائه شده از سوی دراخ، نمونه‌هایی برای جایگاه‌های مختلف فعل ارائه شده است:

	Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
V2	Peter	hat	sich gut	erholt	mittlerweile
V1		Hat	Peter sich gut	erholt	mittlerweile
VE		Weil	Peter sich gut	erholt hat	mittlerweile

جدول ۳

در مثال نخست، تمامی جایگاه‌ها در جدول اشغال شده است. در این مثال که فعل صرف شده در جایگاه دوم قرار دارد و Vorfeld نیز از طریق فاعل جمله، Peter اشغال شده است، جمله‌ای پایه و خبری را مشاهده می‌کنیم. به دلیل قرار گرفتن فعل در جایگاه دوم و خالی نبودن جایگاه اول، این دست از جملات را در زبان آلمانی V2 و یا Verb-zweitstellung می‌نامند. مثال دوم مربوط به جمله‌ای پرسشی است که به آن V1 و یا Verb-erststellung گفته می‌شود. در این نمونه مشاهده می‌کنیم که جایگاه پیش از فعل در جدول خالی است و فاعل جمله در Mittelfeld یا همان جایگاه بین پرانتز سمت چپ و راست قرار گرفته است. در نمونه آخر، پرانتز سمت چپ توسط حرف ربط weil اشغال شده است. به این دست از جملات VE و یا Verbendstellung گفته می‌شود. نکته قابل توجه درباره این مثال این است که با نمونه‌ای از بند پیرو علت ساز روبرو هستیم. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، ساختار زبان آلمانی در بندهای پیرو به SOV تغییر

## بررسی جایگاه کلمات و ترتیب سازه‌های جمله در زبان آلمانی

می‌یابد. از همین رو حرف ربط، جایگاه فعل صرف شده را در جدول بالا اشغال کرده و خود در کنار فعل اصلی در پرانتز سمت راست قرار گرفته است. جایگاه Nachfeld در هر سه مثال توسط قید Mittlerweile اشغال شده است. در جدول زیر الگوی عمومی قرار گرفتن سازه‌ها در جملات آلمانی را ارائه می‌کنیم تا بتوانیم دقیق‌تر به جزئیات آن بپردازیم<sup>۱</sup>:

Vorfeld	LK	Mittelfeld	RK	Nachfeld
1 Konstituente	Finites Verb oder subordinierendes Element	0-x Konstituenten	(restlicher) Verbalkomplex	0-ca. 2 Konstituenten, in der Regel
Otto	hat	Hans	gesagt,	Nebensätze dass er kommt.
	Hat	Otto Hans	gesagt,	dass er
	Ob	Otto Hans	gesagt hat,	kommt? dass er kommt

جدول ۴

در جدول بالا محدودیت‌های موجود برای قرارگرفتن سازه‌ها در جملات زبان آلمانی را مشاهده می‌کنیم. در این بخش به این محدودیت‌ها و شرایط قرارگرفتن کلمات در هر یک از بخش‌های جدول می‌پردازیم. نخست آنکه در Vorfeld تنها یک سازه قرار می‌گیرد. در مثال اول در جدول بالا اسم خاص Otto، فاعل جمله، قرار گرفته است. البته در این جایگاه می‌توان از انواع دیگر نقش‌های دستوری نیز استفاده کرد. بنابراین Vorfeld می‌تواند از طریق نقش‌های دستوری فاعل، مفعول و قید اشغال شود. علاوه بر این از انواع عبارات اسمی، حرف اضافه‌های و قیدی نیز می‌توان در این جایگاه استفاده کرد.

۱. الگوی عمومی ارائه شده برگرفته از بیتنر و برمان (۲۰۱۳:۸۰)

Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Julia	hat	Jan gestern einen Brief	geschrieben	
Einen langen	hat	Julia gestern Jan	geschrieben	
Brief Gestern	hat	Julia Jan einen Brief	geschrieben	

جدول ۵

در مثال‌های بالا به ترتیب فاعل، مفعول مستقیم و قید در جایگاه پیش از فعل صرف شده (Vorfeld) قرار گرفته‌اند. در جدول زیر نمونه‌های بیشتری از امکان قرار گرفتن سازدها در Vorfeld را نشان می‌دهیم.

Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Julia	hat	Jan gestern einen Brief	geschrieben	
Der nette Nachbar	hat	Julia gestern einen Brief	geschrieben	
Dass Julia Jan einen Brief schrieb'	überrascht	mich sehr		
Einen langen Brief	hat	Julia gestern Jan	geschrieben	
Dass Julia Jan einen Brief schreiben wollte,	hat	sie bereits vorige Woche	gesagt	

جدول ۶

در مثال نخست عبارت اسمی Julia در Vorfeld قرار گرفته است. در نمونه دوم عبارت اسمی Der nette Nachbar که از بیش از یک کلمه تشکیل شده (اما یک سازه است) در جایگاه Vorfeld قرار گرفته است. در نمونه بعد یک بند فاعلی با حرف ربط وابسته‌ساز dass در Vorfeld قرار گرفته است. در مثال دیگر، عبارت اسمی einen langen Brief در نقش دستوری مفعول مستقیم در همین جایگاه قرار گرفته است. در نمونه آخر، بند متممی با نقش دستوری مفعول مستقیم برای فعل sagen در جایگاه Vorfeld واقع شده است. بنابراین مشاهده می‌کنیم که جایگاه پیش از فعل صرف شده در زبان آلمانی می‌تواند از طریق نقش‌های دستوری مختلف و همچنین عبارات و بندهای وابسته اشغال شود.

پس از Vorfeld به پرانتز سمت چپ می‌رسیم که از دو طریق اشغال می‌شود: فعل صرف شده و یا حرف ربط وابسته‌ساز<sup>۱</sup>. همان‌گونه که در مثال آخر در جدول شماره ۴ مشاهده می‌کنیم، حرف ربط وابسته‌ساز ob در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار گرفته و فعل صرف شده hat را به جایگاه پرانتز سمت راست منتقل ساخته است. پس از پرانتز سمت چپ نوبت به جایگاه Mittelfeld می‌رسد. براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴ این جایگاه می‌تواند هم بدون سازه خالی بماند و هم توسط تعداد دلخواهی از سازه‌ها اشغال شود. به بیان دیگر در این ارتباط با محدودیتی روبرو نیستیم. از همین رو در جدول شماره ۴ از صفر تا یکس سازه برای Mittelfeld در نظر گرفته شده است. نکته قابل توجه درباره این جایگاه، نوع قرارگرفتن بندهای وابسته در الگوی ارائه شده است:

Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Dass	Julia Jan einen Brief	geschrieben hat	

جدول ۷

### 1. Subordinierende Konjunktion

در بندهای وابسته، حرف ربط وابسته ساز در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار می‌گیرد و فعل صرف شده به جایگاه پرانتز سمت راست منتقل می‌شود. سایر اجزای جمله در جایگاه *Mittelfeld* قرار می‌گیرند. در پرانتز سمت راست، بخش دوم فعل (چنانچه موجود باشد) قرار می‌گیرد. همچنین ممکن است، همانند مثال آخر در جدول شماره ۷ تمامی اجزاء فعل در پرانتز سمت راست قرار گیرد (در ساخت بندهای پیرو).

و نهایتاً به جایگاه پس از پرانتز سمت راست می‌رسیم که مربوط به *Nachfeld* است. در این جایگاه نیز از صفر تا حدود دو سازه می‌توانند قرار گیرند و همان‌گونه که در نمونه‌های جدول شماره ۸ آمده است، این جایگاه، طبق قاعده از طریق بندهای پیرو اشغال می‌شود.

Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Angela Merkel	hat	schnell	hineingefunden	in ihre Rolle der Bundeskanzlerin
Dann	sprach	mich ein Mann	an,	den ich gar nicht kannte

جدول ۸

در جدول بالا مشاهده می‌کنیم که دو امکان برای اشغال جایگاه *Nachfeld* وجود دارد. در نمونه نخست عبارت حرف اضافه‌ای، تنها به دلیل کم کردن از بار موجود در جایگاه *Mittelfeld* و به صورت کاملاً اختیاری به جایگاه پس از پرانتز سمت راست منتقل شده است. در نمونه دوم نیز که بند موصولی در جایگاه *Nachfeld* قرار گرفته است، انتقالی کاملاً اختیاری صورت پذیرفته است. اسم هسته بند موصولی (*ein Mann*) در جایگاه *Mittelfeld* قرار دارد و طبق قاعده می‌بایست بند موصولی بالافاصله پس از آن قرار گیرد. این در حالی است که می‌توان بند موصولی را به جایگاه پس از پرانتز سمت راست نیز منتقل کرد.

Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Das Rennen in Imola	hat	eindrucksvoll	bewiesen,	dass Ferrari zurück ist
Jan	hat	bis zuletzt nicht	gewusst,	ob Julia ihn besuchen kommt

جدول ۹

در جدول شماره ۹ نمونه‌هایی در جایگاه Nachfeld ارائه شده است که برخلاف مثال‌های جدول شماره ۸ به صورت اجباری در این جایگاه قرار گرفته‌اند. نمونه نخست مربوط به بند متممی است که قرارگرفتن آن در جایگاه Mittelfeld جمله را غیردستوری خواهد کرد. در نمونه دوم نیز که در آن بند متممی در جایگاه Nachfeld قرار گرفته است، امکان انتقال بند متممی به جایگاه Mittelfeld وجود ندارد. بنابراین می‌توانیم قرارگرفتن سازه‌ها و یا بندهای متممی و موصولی در جایگاه Nachfeld را به دو دسته اختیاری و اجباری تقسیم کنیم.

Vorfeld	Linke Klammer	Mittelfeld	Rechte Klammer	Nachfeld
Dass Ferrari zurück ist,	hat	Rennen in Imola ein-drucksvoll	bewiesen	
Ob Julia ihn besuchen kommt,	hat	Jan bis zu-letzt nicht	gewusst	

جدول ۱۰

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌کنیم، بندهای متممی برخلاف بندهای موصولی می‌توانند در جایگاه پیش از پرانتز سمت چپ قرار گیرند.

### جایگاه انواع جملات در مدل درخ

در این بخش به انواع جملاتی خواهیم پرداخت که در آن‌ها فعل جمله در جایگاه دوم قرار دارد (Verbzweitstellung) و Vorfeld نیز از طریق فاعل و یا سایر عناصر جمله اشغال شده است. Vorfeld در این دست از جملات هیچ‌گاه خالی نمی‌ماند. فعل صرف شده همیشه در پرانتز سمت چپ قرار دارد. اما جایگاه Mittelfeld، Nachfeld و همچنین جایگاه پرانتز سمت راست، می‌تواند خالی بماند.<sup>۱</sup>

	Vorfeld	LK	Mittelfeld	RK	Nachfeld
A	Hans	will	die Antwort nicht	verraten	
B	Was	hat	Hans wieder mal	vergessen?	
C	Wie schön	ist	diese Landschaft!		
D	Anna	behauptet,			der Lehrer kennt die Kommaregeln nicht
E	Der Lehrer	kennt	die Kommaregeln nicht		

جدول ۱۱

در نمونه A جمله‌ای پایه از نوع خبری را مشاهده می‌کنیم که در آن فعل کمکی will در پرانتز سمت چپ و فعل اصلی verraten در پرانتز سمت راست قرار گرفته است. در نمونه B جمله‌ای پرسشی ارائه شده است که در آن کلمه پرسشی was در Vorfeld قرار گرفته است و فعل کمکی hat در جایگاه دوم یا پرانتز سمت چپ و فعل اصلی ver- gessen در جایگاه پرانتز سمت راست واقع شده است. در نمونه C جمله‌ای تعجبی ذکر

۱. مثال‌ها برگرفته از بیتنر و برمان (۲۰۱۳:۸۱)



شده است. عبارت *wie schön* با وجود آنکه از دو کلمه تشکیل شده است، اما یک سازه به حساب می‌آید و از این رو با قاعده‌ای که پیش‌تر مطرح شد، تناقض ندارد. فعل اصلی *Ist* در این نمونه در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار گرفته و به غیر از *Mittelfeld* دو جایگاه دیگر در سمت راست خالی مانده‌اند. نمونه *D* نیز جمله‌ای خبری با فعل صرف شده در جایگاه دوم را نشان می‌دهد. تفاوت این جمله با نمونه *A* در این است که جمله خبری، وابسته‌ای از نوع بند متممی را به همراه دارد. در این موارد بند متممی به طور کامل در *Nachfeld* قرار می‌گیرد. در نمونه بعد، بند متممی را که خود از نوع جملات خبری است در جدول قرار می‌دهیم و فعل بند متممی *kennt* در پرانتز سمت چپ قرار می‌گیرد.

بخش دوم مربوط به جملاتی است که در آن‌ها فعل صرف شده در جایگاه نخست قرار دارد (*Verberststellung*). در این دست از جملات جایگاه *Vorfeld* همیشه خالی می‌ماند. فعل صرف شده همیشه در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار دارد. جایگاه *Mit-* *Nachfeld* و پرانتز سمت راست می‌توانند در این گونه از جملات خالی بمانند.<sup>۱</sup>

	Vorfeld	LK	Mittelfeld	RK
F		Ist	er gestern da	gewesen?
G		Sei	doch nicht dumm	
H		Hat	der aber ein Glück	gehabt
I		Komm´	ich heut´ nicht	
J		Sagt	Klein-Erna zu ihrer Oma	

جدول ۱۲

۱. مثال‌ها برگرفته از پیتر و برمان (۲۰۱۳:۸۲)

نمونه F مربوط به نوع دیگری از جملات پرسشی است که پیش‌تر به آن اشاره شد. نمونه G جمله امری را نشان می‌دهد که در آن فعل اصلی sei در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار گرفته است. جمله H، جمله‌ای تعجبی است که در آن فعل صرف شده در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار گرفته است. نمونه I مربوط به بندی شرطی است که در آن حرف ربط وابسته‌ساز حذف شده است و از همین رو فعل صرف شده در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار گرفته است. چنانچه در این نمونه حرف ربط وابسته‌ساز wenn حذف نمی‌شد، پرانتز سمت چپ توسط حرف ربط اشغال می‌شد و فعل صرف شده در جایگاه پرانتز سمت راست قرار می‌گرفت. و نمونه آخر مربوط به ساخت جملاتی است که برای بیان داستان و یا لطیفه به کار می‌آیند. در تمامی نمونه‌های بالا جایگاه Vorfeld خالی مانده است و جمله با فعل صرف شده آغاز می‌شود. دسته آخر مربوط به جملاتی که در آن‌ها فعل صرف شده به آخر جمله منتقل می‌شود و به همین خاطر عنوان Verbenstellung را به خود گرفته‌اند. جایگاه Vorfeld در این جملات خالی است. همچنین در جایگاه پرانتز سمت چپ، حرف ربط وابسته‌ساز قرار دارد. علاوه بر این، جایگاه Mittelfeld همیشه اشغال است و جایگاه Nachfeld می‌تواند خالی بماند. اجزای گروه فعلی، شامل فعل صرف شده و مصدر در جایگاه پرانتز سمت راست قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>

	Vorfeld	LK	Mittelfeld	RK
K		Dass/ob	sie	kommt
L		Ob	er wohl	kommt?
M		Dass	der das alles	gelesen hat!

جدول ۱۳

نمونه K مربوط به بندهای پیرو درونه‌گیری شده است. در این دست از جملات حرف ربط وابسته‌ساز در جایگاه پرانتز سمت چپ قرار می‌گیرد و فعل صرف شده به جایگاه پرانتز سمت راست منتقل می‌شود. نمونه L مربوط به ساختاری مشابه نمونه

۱. مثال‌ها برگرفته از بیتنر و برمان (۲۰۱۳:۸۲)

قبلی است با این تفاوت که جمله مستقل است و بند پیرو به حساب نمی‌آید. نمونه آخر نیز از ساختاری مشابه برخوردار است. جمله‌ای مستقل که با حرف ربط آغاز شده است، اما از انواع جملات تعجبی به حساب می‌آید.

### نتیجه‌گیری

در مقاله پیش‌رو نخست جایگاه فعل را در انواع جملات در زبان آلمانی نشان دادیم. همچنین جایگاه‌های تعیین‌شده در مدل دراخ را معرفی و نوع چینش سازه‌های انواع جملات را در این جایگاه‌ها مشخص کردیم. علاوه بر این مشاهده کردیم که کدام یک از نقش‌های دستوری در جایگاه پیش از فعل صرف شده، کدام یک میان دو پرانتز سمت چپ و راست و کدام یک از نقش‌های دستوری به صورت اختیاری و یا بعضاً اجباری در جایگاه پس از پرانتز سمت راست قرار می‌گیرند. به طور نمونه نشان دادیم که بندهای متممی می‌توانند به جایگاه پیش از فعل صرف شده نیز منتقل شوند. این در حالی است که این انتقال در مورد بندهای موصولی به جملاتی نادرستی ختم خواهد شد. انتقال بندهای موصولی به جایگاه پس از پرانتز سمت راست بلامانع است. علاوه بر این مشخص شد که انواع جملات در زبان آلمانی با توجه به جایگاه فعل به چه شکل در مدل ارائه شده از سوی دراخ قرار می‌گیرند. همچنین به برخی از محدودیت‌هایی که در زبان آلمانی درباره چینش سازه‌ها وجود دارد، اشاره کردیم. نتایج این پژوهش می‌تواند به علاقه‌مندان زبان آلمانی، در تجزیه و تحلیل هر چه بهتر جملات آلمانی یاری رساند.

### منابع

- Bahrami Sobhani, Kaveh. Nebensatzkonstruktionen im Farsi und Deutschen. Stuttgart: Südwestdeutscher Verlag für Hochschulschriften, 2016.
- Drach, Erich. Grundgedanken der deutschen Satzlehre. Frankfurt a. M.: Diesterweg, 1937.
- Duden. Grammatik der deutschen Sprache. 6., neu bearbeitete Auflage, Bd. 4. Hrsg. von der Dudenredaktion. Mannheim/Leipzig/Zürich: Dudenverlag, 1998.
- Dürscheid, Christa. Syntax. Grundlagen und Theorien. 4. überarb. Aufl. Göttingen: Vandenhoeck & Ruprecht, 2007.
- Eisenberg, Peter. Grundriss der deutschen Grammatik. Der Satz. 3. durchgesehene Aufl. Bd. 2. Stuttgart: Metzler, 2006.
- Engelen, Bernhard. Einführung in die Syntax der deutschen Sprache. 2 Bde. Baltmannsweiler: Pädagogischer Verlag Burgbücherei Schneider, 1986.
- Givón, Talmy. Syntax: An Introduction. 2. überarb. Aufl. 2 vols. Amsterdam [u.a.]: Benjamins, 2001.
- Heidolph, Karl Erich & W. Flämig & W. Motsch (eds.) 1981. Grundzüge einer deutschen Grammatik. Berlin: Akademie-Verlag.
- Meibauer, Jörg. Einführung in die germanistische Linguistik. 2. Aufl. Stuttgart [u.a.]: Metzler, 2007.
- Pittner, Karin; Berman, Judith. Deutsche Syntax. 5. Aufl. Tübingen: Narr, 2013.
- Sahel, Said; Jonischkait, Julia. Topologie des deutschen Satzes. Unveröffentlichtes Manuskript: Universität Bielefeld, 2009.
- Schröder, P. Wortstellung in der deutschen Standardsprache: Versuch einer empirischen Analyse zu topologischen Aspekten von Texten gesprochener Sprache. Dissertation, Universität Freiburg, 1984.